

غیت دبیر جشنواره موسیقی فجر به دلایل شخصی!

دومین روز از برگزاری سی‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر در حالی میزبان مخاطبان علاقه‌مند موسیقی بود که دکور صحنه اغلب اجراهای جشنواره از هویت بصری مرتبط با جشنواره برخوردار نبود. این در حالی است که در ادوار گذشته جشنواره‌های موسیقی فجر دکور مجزایی که در برگزیده المان‌ها و عنوان «جشنواره موسیقی فجر» باشد در همه تالارهای میزبان طراحی و ساخته شده بود. به گزارش مهر، با گذشت چند روز از برگزاری سی و یکمین جشنواره موسیقی فجر هنوز از حضور حسن ریاحی دبیر این دوره در تالارهای وحدت و رودکی خبری نیست، حسن ریاحی عدم حضور خود را گرفتاری شخصی دانست و این مساله به خودی خود جای ابهام باقی خواهد گذاشت که چه کاری برای دبیر یک جشنواره مهم‌تر از برگزاری این رویداد مهم خواهد بود! در این میان ستاد برگزاری سی‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر در بروشوری که اطلاعات گروه‌های شرکت‌کننده را در آن منتشر کرده، اقدام به معرفی گروه برگزاری جشنواره به تفکیک انجام وظایف نیز کرده است.

■ ■ ■

یادداشت حبیب رضایی درباره بهترین فیلم جشنواره فجر

«ایستاده در غبار»

جادوی غیر منتظره امسال



از اکران فیلم «ایستاده در غبار» در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر تاکنون نقدها و نظرات مثبتی نسبت به نگاه و ساختار این اثر ارزشمند صورت یافته است. فیلمی که عنوان بهترین فیلم جشنواره امسال را از آن خود کرد. در این میان، حبیب رضایی، بازیگر مطرح سینما در صفحه شخصی اینستاگرامش طی یادداشتی به ارزش والای این اثر مستند-داستانی پرداخت که در ادامه می‌آید: «حیرت به غیر معنا». «ایستاده در غبار» شد جادوی غم‌منتظره امسال. تجربه‌ای که در امروز حتی تصورش را هم نمی‌شد در ذهن مرور کرد. این میزان از خلاقیت و شرافت در تولید و اجرا، این میزان کار دقیق و بسترو داستان‌گویی بی‌نظیر از یک حیات بی‌نظیر، با همه اوج و فرودهای آن زندگی، در یک عدالت رویایی که هرگز تا الان کسی به نزدیکی اینگونه داستان‌گویی نیز نرسیده بود، یک فکر بکر و یک همت و دانش عمیق اما بی‌ادعا پشت هر صحنه این فیلم/داستان/روایت منحصر به فرد موج می‌زند». در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر علاوه بر اعطای سیمرغ بهترین فیلم به حبیب والی‌نژاد، تهیه‌کننده اثر جوایز دیگری چون بهترین جلوه‌های ویژه میدانی، بهترین طراحی صحنه و لباس و جایزه ویژه هیأت داوران پخش «نگاه نو» به محمدحسین مهدویان، کارگردان فیلم تعلق گرفت. فیلم «ایستاده در غبار» علاوه بر بخش فیلم‌های اولی در بخش «سودای سیمرغ» جشنواره سی‌وچهارم در ۸ بخش کاندیدا شد.

■ ■ ■

برگزاری آیین نقد و بررسی کتاب «انقلاب اسلامی چرا؟»

کتاب «انقلاب اسلامی چرا؟» به مناسبت سی‌وهفتمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقد و بررسی می‌شود. آیین نقد و بررسی کتاب «نقلاب اسلامی چرا؟» با حضور سیدمجید حسینی استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و مؤلف کتاب، محمد شفیعی‌فر عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و محسن زردی عضو هیات علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به همت دفتر تبلیغ و توزیع آثار کانون اندیشه جوان برگزار می‌شود. نویسنده این اثر، کتاب را در ۶ فصل و ۱۸۴ صفحه به نگارش درآورده است. این کتاب توسط کانون اندیشه جوان در سی‌وهفتمین سال پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده است. چرا انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ سوهای اسلامی یافت؟ چرا انقلاب اسلامی ایران، مارکسیستی یا لیبرالیستی یا… نشد و به شکل‌گیری یک حکومت اسلامی تأکید کرد که بر پایه گفتمان فقهی بود، سوالاتی است که در این کتاب به آن پاسخ گفته شده است. آیین نقد و بررسی کتاب «نقلاب اسلامی چرا؟» یکشنبه ۲۵ بهمن ماه ساعت ۱۲:۴۵ در سالن همایش کانون اندیشه جوان به نشانی خیابان انقلاب اسلامی، خیابان وصال شیرازی، کوچه بهنام، پلاک ۱۹ برگزار می‌شود.

سیدمهدی موسوی: «هنوز وارد خانه نشده‌ام که زخم بی‌مقدمه فریاد می‌کشد: «پدرسگا کی قراره برامون ماشین بخری؟!» بازمی‌گرم در را ببندم که توله‌سگ اول (پسرم) از پله‌ها سالته سالته پایین می‌آید و وقتی که از کنارم رد می‌شود، بوی گند سیگارش حالم را بهم می‌زند. توله‌سگ دوم (دخترم) همان‌طور که جلوی آینه روسری کوتاهش را طوری مرتب می‌کند که موهای بافته‌اش از پشت معلوم نشود، می‌گوید: «مامان من امشب دیر میام، برای شام منتظرم نباش!» در را که می‌بندد، به مانتوی قرمز تنگ کوتاهش که با لاک انگشت‌هایش ست کرده است فکر می‌کنم…»

فرض کنید شما در نقش مرد خانه هستید؛ از خواندن جملات بالا چه حسی به شما دست می‌دهد؟ حالا با کمی تعدیل محتوا، کمی چاشنی لودگی و اندکی تخیل فانتزی می‌توانید داستان بلند ۹۲ صفحه‌ای به نام *نعش‌کش* بنویسید. «*نعش‌کش*» نوشته محمدرضا گودرزی، پاییز ۱۳۹۳ توسط نشر چشمه منتشر شد. از گودرزی تاکنون کتاب‌های «پشت حصیر»، «در چشم تاریکی»، «شهامت درد»، «نیاگزیر باران»، «به‌زانو درنیا»، «هیچ کودکی نمی‌گرید»، «اگر تو مردی» و «*نعش‌کش*» به چاپ رسیده است. داستان «*نعش‌کش*» از آنجا شروع می‌شود که مردی نویسنده –منتقد به دلیل غرزدن‌های زنش مجبور می‌شود ماشین بخرد و به خاطر اینکه علاقه زیادی به بنز دارد اما پول چندانی ندارد، یک بنز تصادفی از بهشت زهرا(س) می‌خرد. بنز، جنازه دختری را با خود حمل می‌کرده است که پس از تصادف، راننده و برادر دختر هم کشته می‌شوند. ماجرا با ورود این *نعش‌کش* به خانه و ظاهر شدن یک روح، کمی وجه ترسناک به خود می‌گیرد اما بلافاصله داستان از تم اصلی خود دور و فرقی می‌شود. روح برادر رضایت نمی‌دهد که روح راننده از این دنیا جدا شود (به اعتقاد نادرست نویسنده در اینجا توجه داشته باشید)؛ به همین دلیل هر سه روح، شب‌ها به ماشین *نعش‌کش* بازمی‌گردند. نویسنده عاشق روح زن مرده درون بنز شده است اما پس از اینکه ۲ روح دیگر از این جهان خارج می‌شوند، روح دختر نیز پس از صحنه‌ای عاشقانه(!) ناپدید

می‌شود. به نظر نگارنده بزرگ‌ترین مشکل داستان «*نعش‌کش*» بلاتکلیفی نویسنده با متن است. ما نه به ادعای نویسنده شاهد یک زندگینامه هستیم و نه یک داستان مشخص. تغییر ژانر در داستان نیز بی‌هدف و خارج از روند منطقی داستان صورت گرفته است. گودرزی اما دست پیش را می‌گیرد و در ابتدای داستان می‌گوید: «قبل از هر چیز بهتر است بگویم این نوشته، خاطره یا داستان – خاطره است… باید اعتراف کنم که این نوشته اصولاً به تعریف متعارف داستان نیست و طبیعی است که در آن هم از این‌ خبرها نیست و انتظار آن دسته از خوانندگان اندیشمند را برآورده نمی‌کند، شرمندم.

خاطر، *خاطره است.*» (ص ۷) «*باعت استهلال*» در این رمان، مشخصاً تکلیف خواننده با متن را مشخص می‌کند. از طرف دیگر داستان توسط ۲ *راوی* روایت می‌شود. من *راوی اول* شخصیت پدر یا همان نویسنده – منتقد است و من *راوی دوم* توله‌سگ اول! یعنی پسر خانواده. شاید یکی از نقاط قوت داستان همین ۲ زاویه دید متفاوت باشد. *راوی اول* به واسطه نویسنده بودنش از رئالیسم فاصله می‌گیرد و به تخیل فانتزی پناه می‌برد. اما ما متأسفانه حتی شاهد یک داستان سوررئالیستی نیز نیستیم. گودرزی در این رمان یک شخصیت پویا برای پدر خانواده در نظر می‌گیرد و اگر پسر را هم یک شخصیت بدانیم، او در مقابل پدر نهنه‌های یک شخصیت ایستا دارد بلکه این مقایسه نشان‌دهنده سطح فکری پایین پسر و در تعمیمی که به نظر نگارنده، نویسنده به کل می‌دهد، سطح فکری جوان امروزی است. به طور مثال به برخی از جملات به کار رفته در این داستان توجه کنید: «کافی است یکبار مثلاً بخوام به بروپچه‌ها بروم کوه یا شب بخوام خانه کسی که بابا مامانش رفته‌اند جایی، دور هم جمع

نگاهی به رمان «نعش‌کش» نوشته محمدرضا گودرزی

در چشم تاریکی



بشویم و ورقی، سیگاری بزنیم و از دخترها و هزار کوفت و زهرمار دیگر حرف بزنیم» (ص ۱۰)، «این خواهر فرشید عجب تک‌های است!» (ص ۲۱)، «اصلاً نمی‌دانم آدم فرهنگی یا حالا ادبی، چیه می‌خواهد چه‌کار؟» (ص ۲۷)، «نگار همه‌چیز حتماً باید به یک دردی بخورد. خب، خوشم می‌آید، به کسی چه؟ نگاه‌شان که می‌کنم کیف می‌کنم؛ درد از این بهتر؟ باز خوب است که مونا هم از پوستر خوشش می‌آید و نمی‌رود پشت‌سرم صفحه بگذارد و تو کارم موش بواند. روی دیوارهای اتاق او هم پُر از پوستر است، ولی از این پوسترهای خواننده‌ها و هنرپیشه‌ها. من نمی‌دانم باد بی‌کاپریو چه‌کار دارد، ۵ پوسترش از این اقاقت.» (ص ۲۸) و جملات بسیار دیگر، پسر، دوست دخترش و گروه بزرگ‌تری از جوانانی که در این داستان به آنها اشاره می‌شود، یک دغدغه مشترک دارند: «دوستی با نامحرم و به پالت گذراندن زندگی برای فراموش کردن رنج‌های آن.» به جالب اینجاست که در صفحه ۳۶ داستان، یکی از پسرها با خواهر خودش به همراه بقیه پسرها به کوه آمده‌اند و با همین ترفند از گیر مأمورها عبور می‌کنند. در داستان *نعش‌کش* نهنه‌ها حرفی از اعتقاد به خدا و دنیای پس از مرگ نیست بلکه نویسنده در جای جای داستان حرف‌های باطل و نامربوط خودش را به طرق مختلف بیان می‌کند که یکی از آنها همان مثال گرفتاری روح‌ها در این دنیا او در جای دیگری از داستان، *راوی می‌گوید:* «راه پول درآوردن را خوب یاد گرفته. حالا بگذارد ارواح خبیثش هی از ایمان و آخرت حرف بزند.» (ص ۲۷) یا «همه‌چیز مستخره و بی‌معناست. کل زندگی و هستی، نمی‌دانم اینجا چه‌کار می‌کنم. مال و دل‌زدگی همه وجودم را پر می‌کند. دلش را هم ندارم یکبار که تو این حالت‌ها هستم، که کم هم نیست، سیم یختی بگیرم تو دستم یا بالای برج

میلاد خودم را ببندزم پایین یا حداقل از تو بالکن خانه‌مان هم که شده با سر شیرجه بزنی!» (ص ۴۹) نویسنده مزخرفات خودش را تا اینجا ادامه می‌دهد که به روح دختر می‌گوید: «بیخسیدها! اگر شما روح هستید، که جای خواهری (دروغ گفتن مثل سگ) با این چشم‌ها بعید می‌دانم باز شامل همین بحث‌های جهان عادی درباره روسری و این حرف‌ها می‌شوید؟» (ص ۵۶) و در چند خط پایین‌تر: «*ولی* جسارت است‌ها، این چشم‌هایی که شما دارید احتیاج به عضو دیگری ندارد، خودش تنهایی پدر جن و انس را درمی‌آورد». *نعش‌کش* اشارات مختصر و ابتری هم نسبت به مسائل سیاسی دارد. به طور مثال برادر *راوی پدر* که از قضا ریش دارد و تسبیح دست می‌گیرد (ص ۴۰ و ۴۴) در صفحه ۳۹ می‌گوید: «*نمی‌گذارند دولت کار خودش را بکنند، دست‌های پنهانی تو کارند که می‌خواهند ناراضیاتی ایجاد کنند!*» و در صفحه ۴۵: «*از داخل و خارج دست‌هایی تو کارند که هی اخلاص می‌کنند و امثال شماها هم به‌جای صبر و درباری، می‌فق می‌زنید.*» نویسنده علاوه بر اشاره به اینکه پدر و مادر از وضعیت اخلاقی دختر و پسرشان آگاه هستند اما جرأت (یا انگیزه) مخالفت ندارند، از برخورد عمومی خانواده با همسرش هم صحبت می‌کند. عمو که در بالا به ریش‌داشتن و تسبیح دست‌گرفتن آن اشاره شده، اعتراضی نسبت به وضعیت حجاب افتضاح همسرش ندارد: «*عمو همان‌طور که حرف می‌زند، هی با تسبیحش ور می‌ورد. اگر کسی زن‌عمو را در خیابان ببیند فکر نمی‌کند شوهرش این تیبی باشد. به قول بابا این هم از عجایب روزگار است ولی مامان می‌گوید، هیچ هم عجیب نیست، تو از جایی خبر نداری، کارت این است از این کلاس بتبی تو آن کلاس نمی‌دانی تو دنیا چه می‌گذرد.» (ص ۴۴) شاید بپذیریم که گودرزی نویسنده یا استاد تدریس داستان خوبی باشد اما به نظر نگارنده، «*نعش‌کش*» با اشکالات جدی در نوع نگارش رمان، حرف چندانی برای گفتن ندارد و جذابیت محدود آن در نوسان بین کم‌دی و لودگی و ترس آمیخته از حضور ارواح(!) خلاصه می‌شود. جذابیتی که در پایان به یأس خواننده از وقتی که برای خواندن این کتاب هدر داده است، منجر خواهد شد.*



بودند حالا نه به امید جایزه بلکه به امید ارائه هنر خود و دیدار با گروه‌های دیگر یا به جشنواره گذاشته‌اند. آیا ارزش فروش بی‌نظیر بلیت‌های جشنواره که در کنسرت‌های مستقل نیز امکان‌پذیر است بر بها دادن و حمایت از گروه‌های موسیقی فعال و باانگیزه و موسیقی علمی ارجحیت دارد؟! ای کاش به یاد این گروه‌های بی‌حمایت نیز باشیم؛ در جشنواره‌ای مستقل در حمایت از گروه‌های موسیقایی که برای کسب درآمد موسیقی خود را ارائه نمی‌دهند.

تا اول مردادماه ۱۳۹۵ یک هفته در سطح استان اجرای عمومی داشته باشند. در فراخوان یادشده آمده است ستاد برگزاری جشنواره با رویکرد توجه ویژه به هنر نمایش در جهان اسلام و کشورهای همسایه درصدد رایزنی و انتخاب آثار نمایشی واجد کیفیت مطلوب برای حضور در بخش بین‌الملل جشنواره است. نمایش‌های تولید مشترک میان هنرمندان ایرانی و سایر کشورها نیز در این حوزه مورد توجه خواهند بود. مطابق گاهشمار جشنواره مهلت ارسال متن و طرح و ایده به بخش تولید متون تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۵، بخش مسابقه تا ۲۰ فروردین ۱۳۹۵ و استانی تا ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۴ اعلام شده است. گروه‌های متقاضی باید ضمن مطالعه دقیق فراخوان، موضوعات پیشنهادی مندرج در آن، فرم تقاضای حضور و مدارک قیدشده در فراخوان را به دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی تئاتر رضوی در مجموعه تئاتر شهر بجنورد ارسال کنند. یازدهمین جشنواره تئاتر رضوی توسط بنیاد بین‌المللی فرهنگی و هنری امام رضاع(ع)، اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استانداری خراسان‌شمالی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان‌شمالی در مردادماه ۱۳۹۵ و با میزبانی خراسان‌شمالی و شهر بجنورد برگزار می‌شود.

استقبال بی‌نظیر مخاطبان از کتاب «دختر شینا»



سومین دور مسابقه «کتاب و زندگی» که با محوریت کتاب «دختر شینا» برگزار شد، با استقبال خوب مخاطبان، اول اسفندماه به پایان می‌رسد. در طول برگزاری مسابقه «کتاب و زندگی» ۱۵۰ هزار نسخه از این کتاب به چاپ رسید و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت. نکته مهم در برگزاری این دوره از مسابقه، استقبال مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی از کتاب «دختر شینا» بود؛ کتابی که تیزر سینمایی آن نیز توسط مرکز رسانه‌ای شیرازه با بازی الیکا عبدالرزاقی و امین زندگانی ساخته شد. مسابقه «کتاب و زندگی» تا ۱۵ بهمن تمدید شده بود و مراسم اختتامیه نیز اول اسفند در حوزه هنری برگزار و برگزیدگان آن معرفی خواهند شد. کمک‌هزینه سفر به کربلا برای ۵ نفر، ۵ سکه بهار آزادی و ۶۰ کارت هدیه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریالی به برگزیدگان این دور اهدا خواهد شد که در روز اختتامیه ۵ نفر جوایزشان را دریافت خواهند کرد. بهمن‌ضرابی‌زاده در «دختر شینا» قدم به قدم وارد زندگی قدم‌خیر محمدی کنعان شده است تا زندگی او با سردار شهید ستار ابراهیمی‌زهر را روایت کند. «دختر شینا» از معدود کتاب‌های خاطرات است که زندگی و پرفراز و نشیب یک دختر جوان روستایی را در برابر چشمان ما به نمایش می‌گذارد، دختری که اقتدر می‌ایستد، می‌افتد و دوباره برمی‌خیزد تا مقاومت را در زندگی تعریف کند. این کتاب از ۱۹ فصل تشکیل شده و از روایت کودکی قدم‌خیر آغاز می‌شود؛ از زمانی که نامش را به خاطر قدم خوشی که داشت «قدم‌خیر» گذاشتند تا زمانی که حماسه زندگی‌اش را در پشت جبهه‌ها رقم زد.

■ ■ ■

مجتبی راعی از اعضای هیأت داوران جشنواره فیلم فجر:

خطای انسانی وجود دارد

مجتبی راعی با اشاره به داوری‌های انجام شده در سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر گفت: این را می‌دانیم خطای انسانی وجود دارد و بویژه وقتی که پای سلیقه هم به میان می‌آید. به گزارش فارس، امسال عدم انتخاب فیلم «بادیگارد» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در بخش‌های مهم جشنواره واکنش‌های زیادی از طرف‌های مختلف را به همراه داشت، فیلمی که در رتبه دوم سیمرغ بلورین از نگاه تماشاگران با اختلاف کمی با «بلد و یک روز» قرار گرفت. مجتبی راعی، عضو هیات داوران جشنواره فجر در این باره گفت: در جشنواره فجر فیلم‌هایی که در بخش مسابقه پذیرفته می‌شوند، پذیرفته شدن‌شان مشروط‌عیتشان است، یعنی اعلام می‌کنند هر جایزه‌ای که به این فیلم‌ها اهدا شود اگر حقتشان باشد، اشکال ندارد. معنی این مشروعبت این است که نمی‌توانیم فیلمی را در مسابقه بپذیریم و بعد با فشار برخی افراد به این مضمون که این فیلم با سلیقه ما و معیارهای ما مطابق نیست آن را از داوری خارج کنیم. مجتبی راعی در پاسخ به عدم انتخاب ابراهیم حاتمی‌کیا در بخش‌های مختلف گفت: هیچ کس به ما نگفت به چه کسی جایزه بدهید یا ندهید. داوران سعی کردند تسلیم فشارهای جانبی نشوند البته این معنی‌اش این نیست که رای داوران مطلقاً درست است چون ما انسان هستیم. ۷ انسان براجتی می‌توانند خطا کنند؛ گاهی ۷۰ هزار یا ۷۰ میلیون انسان خطا می‌کنند بنابراین طبیعی است که ممکن است ما خطا کنیم. احتمالاً است اگر فکر کنیم رای داور در همه امور درست است؛ این را می‌دانیم خطای انسانی وجود دارد. بویژه وقتی پای سلیقه هم به میان می‌آید.

■ ■ ■

انتشار کتاب «معرفت‌شناسی»

کتاب «معرفت‌شناسی» نوشته رابرت ام‌پارتینن با ترجمه نسترن ظهیری توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شد. به گزارش مهر، آنگونه که نویسنده در مقدمه کتاب می‌آورد، این اثر سعی دارد خواننده را برای ارزیابی تمام شرایط تشویق کند تا خودش برای قضاوت درباره صحت و سقم پاسخ سوالات مختلف، استین‌یاب‌لازند چون یکی از خصوصیات منحصر به فرد فلسفه، تردید در موضوعی است که با آن روبرو می‌شویم. این کتاب ۹ فصل اصلی دارد که عنوانشان به ترتیب عبارت‌است‌از: «تعریف دانش»، «قدرت باور و دلیل»، «توجه و مسائل گتیه»، «درون‌گرایی» برون‌گرایی و توجه»، «شالوده‌باوری و انسجام‌گرایی»، «دانش ماتمذم، تحلیلی بودن و ضرورت»، «دانش مبتنی بر تجربه حسی»، «شک‌گرایی» و «رویکردهای جدید به معرفت‌شناسی».